



نور پلاریکی

از: تیمای ایرانی کومانی

نقش روسیه و انگلستان در نهضت مشروطه

گروه پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی

مطالعه علل انقلاب مشروطه ایران نه تنها مستلزم شناخت اوضاع و احوال داخلی ایران در دوره قبل از انقلاب است، بلکه شناسایی نقش دول بزرگ زمان آن نیز تعیین‌کننده و تکمیل‌کننده آن است. در داخل کشور ضعف حکومت مرکزی که زائیدهٔ بوروکراسی فاسد، نارسایی دستگاه‌های اجرایی کشور و فقدان مسائل ارتباطی بود، شاهان قاجار را مجبور می‌کرد که بر قدرت سران قبایل تکیه کنند. اما اینها که به نوبه خود به دنبال ارضاء منافع شخصی خود بودند، نه تنها قدرت حکومت مرکزی را تقویت نمی‌کردند، بلکه بر ضعف آن می‌افزودند. چنین وضعی ازسوی به هملت ناراضی اجازه می‌داد تا دور هم جمع شوند و جبهه مخالف نیرومندی تشکیل دهند و از سوی دیگر شاهان قاجار را وامی‌داشت تا برای سازمان بخشیدن به اوضاع کشور گاه به روسیه و گاه به انگلیس متوسل شوند. بطور خلاصه بازیکران انقلاب مشروطه ایران را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱- دولت استبدادی که مدیوحانه در حفظ قدرت خود می‌کوشید. ۲- مخالفین داخلی دولت که خواهان تغییر رژیم و بدست آوردن آزادی بودند. ۳- قدرتهای خارجی که با توجه به منافع خود گاه به طرفداری از دسته اول و گاه به طرفداری از دسته دوم برمی‌خاستند.

هدف مادر این مقاله روشن ساختن نقش قدرتهای خارجی با توجه به روابطشان با دو گروه دیگر، در وقوع انقلاب مشروطه است.

۱- خطوط کلی سیاست روسیه و انگلیس در ایران:

تاریخی جوامع شرقی ذاتاً حادی تحت نفوذ خود قراردادده است. در قرن نوزدهم و در دهه اول قرن بیستم، ایران به دلیل

بیشرفت قدرتهای غربی دوشرفی که با آهنگی تاه سریع، گاه آهسته ولی متداوم، پیوسته ضامن برتری غرب بوده، تحول

منافع استراتژیکی، اقتصادی و سیاسی صحنه مبارزه متداوم روسیه و انگلیس بود. برای انگلیس ها ایران از این نظر مهم بود که بر سر راه هند قرار داشت، از سوی دیگر روسها به نوبه خود سیاست بزرگ بر مبنی بر دست یافتن بر دریاهای آزاد از یاد نبرده بودند. در اواسط قرن نوزدهم، تصرف قفقاز و آسیای مرکزی توسط روسها و تصرف پنجاب توسط انگلیسها و ضمیمه کردن بلوچستان به متصرفاتشان، دو قدرت بزرگ زمان را در مرزهای ایران روی هم فرار داد. هر یک از این دو قدرت می‌کوشید نفوذ اقتصادی خود را از طریق به دست آوردن امتیازات گوناگون افزایش دهد، و با اعطای ۲۱ به حکام قاجار به هنگام بحرانیهای اقتصادی و با سوء استفاده از مخالفان داخلی، نظر مساعد حکام قاجار را به دست آورد.

تا حدود سال ۱۸۱۳ روابط دیپلماتیک ایران با قدرت های بزرگ غربی بسیار محدود بود. از آنجا که پایه این روابط بیشتر بر روی منافع روسیه، انگلیس و فرانسه استوار بود، ایران در شطرنج سیاست آنها ز مهره بیاده‌ای به شمار نمی‌رفت. اعضای قرارداد گلستان از آنجا که از سوی نمایندگان شکست سلطان قاجار بود، اعتبار و حیثیت او را تنزل داد و از سوی دیگر چون اقامت خارجیان را در ایران تسهیل می‌کردند در قاطبه مردم خاصه علما ایجاد هیجان و مخالفت کرد.

پس از عقد معاهدات گلستان و ترکمن چای افزایش نفوذ روسها در ایران، انگلیسها بر آن شدند که قدرت خود را در مقابل قدرت همسایه شمالی ایران تقویت کنند. چنین بود که حاضر شدند ۲۰۰۰۰ پوندی را که روسها برای تخلیه شهر تبریز می‌خواستند، در اختیار فتحعلی‌شاه قرار دهند. بعدها نفوذ انگلیسها در ایران با عقد معاهده ۱۸۵۷ بر سر هرات افزایش یافت و به این ترتیب ایران تحت نفوذ دو قدرت بزرگ استعمارگر قرار گرفت.

روسها آرزو می‌کردند که ایران ضعیف‌بماند تا آنها بتوانند سیاست تهاجمی خود را در آسیای مرکزی ادامه دهند، و این خود دلیلی است بر مخالفت آنها با هر نوع اصلاح یا انقلابی که می‌توانست منجر به استحکام حکومت مرکزی ایران شود. از طرف دیگر انگلیسها، اگرچه طبیعت سیاستشان چندان فرقی با روسها نداشت، آرزو می‌کردند ایران مستقل بماند تا بتواند نقش یک «قدرت حائل» را به خوبی در مقابل روسها بازی کند. چنین بود که انگلیسها اگرچه خواهان تغییر محسوس در رژیم ایران نبودند، با اصلاحات نیز مخالفت زیادی نمی‌کردند.

لرد سالیسبوری، وزیر امور خارجه انگلیس (۱۸۹۲-۱۸۸۶) ایران را مانع اصلی در مقابل روسها می‌شمارد و می‌نویسد: «ما باید تا آنجا که می‌توانیم ایران را در زمینه سیاست داخلی توسعه‌دهیم و تقویت کنیم تا بتواند در مقابل تهاجم مورد نظر مقاومت کند، و نیز لازم است نفوذ خود را چنان حفظ کنیم که بتوانیم در مراحل بحرانی فعالیت‌های کشور ایران را آسان که باید هدایت کنیم.» (۱)

در اواخر قرن نوزدهم، دو قدرت بزرگ به این نتیجه رسیدند که به نفع هر دو آنهاست که در مورد ایران با هم توافق کنند. در سال ۱۸۸۹ تزار روسیه اعلام کرد: «ما (روسها و انگلیسها) هیچ نفع مشترکی در اروپا نداریم، نفع مشترک ما به آسیای مربوط می‌شود، من چنین مایلیم که در مورد آسیا با انگلیس به توافق برسیم (۲)»

الفاء امتیاز توپون و تنباکو، سیاست ایران در جانب‌داری از انگلیس به سیاست جانب‌داری از روس تبدیل کرد. همزمان با افزایش نفوذ روسها، انگلیسها که وضعیت خود را متزلزل می‌یافتند

بر آن شدند تا در مورد ایران با روسها توافق کنند. اداره سیاسی وزارت امور خارجه انگلیس

(The Political Department of Foreign Office)

در این مورد چنین پیشنهاد کرد:

« حفظ استقلال حکومت ایران موضوع سیاست ما بوده و باید باشد امکان وجود یک ایران قوی برای همیشه [آندیشه‌ای] متروک و کهنه به نظر می‌رسد، و استقلال آن ظاهراً مدیون روسها است: اما ما باید به کمک دیپلماسی کاری بکنیم که روسها قانع شوند که به نفع آنهاست که با ما در این مورد توافق کنند.» (۳)

قتل ناصرالدین‌شاه در ۱۸۹۶ و این حقیقت که دو جانب‌داری او تحت نفوذ شدید روسها بودند، سیاست جانب‌داری از روس را استحکام بخشید.

به هنگام سلطنت آخرین شاهان قاجار، مساله ایران، که در طول قرن نوزدهم توجه روسها و انگلیسها را به خود معطوف کرده بود، بیش از پیش حاد شد.

لرد سالیسبوری در سالهای ۱۸۹۶ و ۱۸۹۸ برای نزدیک شدن به روسها کوششهایی کرد که با موفقیت همراه نبود او به این نتیجه رسید که روسها از چنین سازشی سودی دستگیرشان نمی‌شود.

در اوائل قرن بیستم رقابت روسیه و انگلیس در ایران از طریق پیشنهاد اعطای وام به دولت ایران که در برهه اقتصادی فراوان داشت، آشکار گشته شد. روسها در این مسابقه پیروز شدند و «ترکی» وزیر امور خارجه وقت انگلستان در مورد ایران پیشنهاد توافق جدیدی به روسها کرد (۴) مذاکرات روسیه و انگلستان در این مورد منتهی به فراراد ۱۹۰۷ منتهی شد.

۲ راههای نفوذ دو قدرت بزرگ

۱- نفوذ صلح آمیز و آرام

۲- نفوذ ناآرام

۱- نفوذ آرام و رقابت برای کسب امتیاز:

رقابت روسیه و انگلیس که در سه ربع اول قرن نوزدهم بیشتر جلوه‌های سیاسی داشت، در ربع آخر این قرن بیشتر جنبه اقتصادی و تجاری پیدا کرد. از دهه نهم عقد قرارداد ترکمن‌چای انگلیسها می‌کوشیدند همان امتیازاتی را به دست آورند که روسها در ایران کسب کرده بودند. چنین بود که ابتدا در سال ۱۸۶۲ امتیاز برقراری خطوط تلگرافی را در ایران بدست آوردند و ارتباط بین لندن و هند بدینسان برقرار شد. (۵) سپس امتیازات دیگری چون امتیاز رویتر (۱۸۷۲) حق کشتیرانی برای کشتیهای تجاری خارجی در رودخانه کارون (که انگلیسها تقریباً آنرا به انحصار خود در آوردند)، و حق تاسیس «بانک» «انجیریل» به انگلیسها اعطا شد.

روسها نیز برای ازدیاد قدرت خود در مقابل انگلیسها، تقاضای امتیازاتی کردند. حق ساختن راه در شمال کشور، بازسازی تشکیلات لشگری که منجر به اعزام بریگاد قزاق به ایران شد (۱۸۷۸)، امتیاز ساختن خطوط تلگرافی (۱۸۸۱)، امتیاز مأموریت در سواحل جنوبی دریای خزر (۱۸۸۴)، امتیاز بهره برداری از معادن و جنگلها (۱۸۹۱). و امتیاز تاسیس پست‌بانک



مستشارالدوله صادق از پیشروان مشروطه

ناصرالدینشاه و خرج کردن سرمایه‌های بی‌مصرف برای سفر های یزوق و برق و بی‌نتیجه او و اطرافیانش به خارج، آتش خشم عمومی را دامن زد. جنبش ضد انحصار توتون و تنباکو بنظر نگارنده یکی از مهم‌ترین قدم‌های هموارکننده راه انقلاب مشروطه به شمار میرود.

انحصار توتون و تنباکو و اولین جنبش پیروزمندان مردم

در ماه مارس ۱۸۹۰ امتیاز تولید، فروش و بهره برداری از تنباکوی ایران برای مدت ۵۰ سال به یک انگلیسی به نام (جی. اف. تالوالت) واگذار شد. در مقابل قرار شد خزانه شاهی سالی ۱۵۰۰۰ پوند به اضافه یک چهارم سود خالص سالیانه کمپانی را دریافت کند. (۷)

طرفین قرارداد احتمالاً غافل نبودند از اینکه چنین قراردادی می‌توانست در داخل کشور در ذهن تجار و روشنفکران و در خارج از کشور در روسیه‌ها، ایجاد نارضایتی کند. به همین دلیل دولت ایران می‌کوشید تا این قرارداد سری باقی بماند ولی به‌محض بخش اخبار مربوط به قرارداد در داخل، تجار که آزادی عمل خود را در خطر می‌دیدند، بوسیله شکایاتنامه‌ای علل و مراتب نارضایتی خود را به شاه اعلام کردند. در همین زمان علماء وابسته به تجار نیز به‌مناسبت این امتیاز که منافع آنها را در زمین های وقفی به‌خطر می‌انداخت، اعتراض کردند. از طرف دیگر به‌طور کلی علماء همیشه با ورود خارجی‌ها به کشور و ازدیاد نفوذ آنها که عقاید و اصول اسلامی را به خطر می‌انداخت، مخالف بودند. روشنفکران به‌توبه خود به این حقیقت توجه داشتند که این امتیاز درمقایسه با امتیاز مشابهی که ترکیه به انگلیس‌ها اعطا کرده بود غیرعادلانه به شمار میرفت؛ زیرا دولت ترکیه سالی ۶۲۰۰۰ پوند دریافت می‌کرد (۸) و دولت ایران فقط سالی ۱۵۰۰۰ پوند.

در خارج از کشور روسها از سیاست امین‌السلطان در

روسی (۱۸۹۱) نیز به آنها اعطاء شد. به این ترتیب رقابت روسیه و انگلستان همچنان با کسب اینگونه امتیازات در ایران افزایش می‌یافت. به‌طوریکه در پایان قرن نوزدهم کشور چنان گرفتار نفوذ آنها شده بود که به‌قول قوام‌الدوله وزیر امور خارجه وقت، حتی خاتمه بخشیدن به امور بسیار پیش با افتاده، می‌بایست نامشورت نمایندگان روسیه یا انگلستان صورت گیرد. «اگر بخوایم در شمال، شرق و باغرب کشور به‌شکار برویم باید از دولت‌های روسیه یا انگلیس اجازه بگیریم.» (۶)

با وجود این که دوره نفوذ آرام و صلحجویانه با مقاومت جدی توده مردم مواجه نشد، نفوذ خارجی‌ها مآلاً در پیش عقاید آزادی خواهانه و احساسات میهن پرستانه ایرانیان اثر مهمی گذاشت. به دلیل اقامت‌تفری‌ها در ایران، بخش عقاید آزادیخواهانه، خاصه در میان گروهی که بیشتر با غربی‌ها تماس داشتند (نظیر گروه‌هایی از درباریان و تجار) تسریع شد.

از طرف دیگر اقامت غربی‌ها در ایران در قشرهای مختلف اجتماع ایجاد نارضایتی کرد. مثلاً علماء آنها را به منزله تهدیدی برای اسلام تلقی می‌کردند، تجار با حضور آنها منافع اقتصادی خود را در خطر می‌دیدند و روشنفکرها به نوبه خود به‌همدمستی دولت و امپریالیستها توجه داشتند.

۲ - نفوذ نا آرام

اگر نارضایتی توده از گسترش نفوذ غربی‌ها، در دوره اول که ما آنرا نفوذ آرام نامیدیم، تظاهرات جدی پدیدانکرد، در دوره دوم این نفوذ با مقاومت جدی عامه روبه‌رو شد. و نارضایتی‌های ناشی از حکومت دیکتاتوری و نارسایی دستگاههای اجرایی کشور، با حضور روزافزون خارجی‌ها به بالاترین درجه خود رسید. نخستین جلوه این نارضایتی، مخالفت مردم با سپردن انحصار توتون و تنباکو به انگلیس‌ها بود. سپس تقاضای وام‌های بی‌دری از خارج توسط

جانبداری از انگلیس بسیار ناراضی بودند. در حقیقت انگلیس ها در سال های قبل از انعقاد قرارداد انحصار توتون و تنباکو وضع مستحکم تری از دوسها پیدا کرده بودند. اگرچه روسها هم در مقابل امتیازاتی کسب کرده بودند ولی چنین بنظر می رسید که امتیازات آنها ارزش و اهمیت امتیازات انگلیس ها را ندارند در نتیجه روسها حاضر بودند برای لغو انحصار توتون و تنباکو و متعطف کردن توجه دولت ایران از انگلیس ها به سوی خود، به مخالفان داخلی دولت ایران کمک کنند چنین بود که روسها از ناراضی های علما و تجار به نفع خود بهره برداری می کردند. اگر اتحاد اصلاح طلبان با روسها غریب به نظر می رسد، اتحاد علما با روشنفکران از آن عجیب تر است. این اتحاد به دلایل تاکتیکی به هنگام جنبش ضد انحصار توتون و تنباکو توسط سید جمال الدین اسدآبادی و میرزا ملکم خان تقویت شد و بعدها در طول انقلاب مشروطه نیز از آن بهره برداری شد. دولت ایران برای آرام کردن روسها تصمیم گرفت امتیاز انحصار تریاک را به آنها واگذار کند، ولی این کار با مخالفت انگلیس ها روبه رو شد. (۹)

در این هنگام روزنامه های ایرانی چاپ خارج مثل قانون و اختر به مخالفت مردم با اعطای امتیازات گوناگون به خارجی ها بطور کلی و خاصه اعطای امتیاز توتون و تنباکو به انگلیسی ها دامن میزدند. (۱۰)

همچنان که اقدامات انگلیسی ها برای برقراری تاسیساتشان در ایران پیش می رفت، اظهار ناراضی مردم نیز شدت می یافت. در ماه محرم مجتهدین خارجی ها را کافر خواندند و اعلام کردند که در صورت لغو نشدن انحصار توتون و تنباکو به آنها اعلام جهار خواهند کرد. شاه که ابتدای خواست امتیاز را لغو کنه تحت نفوذ «گندی» نماینده انگلیس در ایران، و امین السلطان تصمیمش را عوض کرد و بر آن شد که فقط در این مورد با دارندگان امتیاز وارد مذاکره شود تا شاید با جرح و تعدیل متن امتیاز نامی شوند مردم راساکت کند.

در ماه نوامبر ۱۸۹۱ و باز نزدیک شدن زمان اجرای امتیازنامه به دنبال اعلامیه مجتهدین مبنی بر تحریم توتون و تنباکو، تجارت این کالاها تقریباً متوقف شد. تحریم توتون و تنباکو به دنبال فتوای شیرازی، مجتهد سامره، به منتهی درجه خود رسید و مصرف توتون و تنباکو در ایران ممنوع اعلام شد.

جنبش داخلی در ایران می توانست برای روسها - به عنوان حفظ منافع اتباع روسیه - دستاویز موجهی برای دخالت در ایران باشد، و این باسیاست انگلیس که می خواست ایران استقلال خود را حفظ کند تا بتواند نقش قدرت حائل را در راه روسیه بازی کند، مخالف بود. این سیاست در تلگراف لرد سالیسبوری، وزیر امور خارجه انگلیس به Lascelts، نماینده این کشور در ایران، به خوبی هویدا است:

« اگر مادرت در جریان باشیم، کمیاتی توقعاتی افراطی و زیادی دارد، بخاطر داشته باشید که نخستین چیزی که برای ما اهمیت دارد حفظ دولت ایران و وضعیت «امین» است مابه هیچ روی نباید تقاضایی را مطرح کنیم که یکی از این دو را به خطر بیندازد. » (۱۱)

به دنبال تظاهرات توده مردم، ناصرالدین شاه انحصار داخلی توتون و تنباکو را در ۲۴ دسامبر لغو کرد، بی آنکه از انحصار خارجی آن سخنی بمیان آورد. روز ۲۵ دسامبر در بازار اعلام شد که چنانچه تا دو روز دیگر انحصار توتون و تنباکو به کلی لغو نشود، جهاد اعلام خواهد شد. این انحصار سرانجام در ۲۷ دسامبر لغو شد و دولت ایران تمهید کرد خسارتی بمبلغ

..... پوند به کمیانی انگلیسی بپردازد (۱۲)

در تاریخ معاصر ایران، مخالفت یرضد اعطای امتیاز توتون و تنباکو نخستین جنبش مردمی بود که به پیروزی مخالفین و شکست دولت و استعمارگران خارجی منجر شد. این جنبش ملت ایران را به قدرت خویش آگاه کرد، علما، تجار و روشنفکران گرد هم آمدند و متوجه شدند که می توانند حتی آنجا که قدرت خارجیها در بین است، بنفع مصالح ملی بچنگند و فاتح شوند. در این مرحله می توان تولد روحیه جدیدی را که سر آغاز جنبش مشروطه خواهی است تشخیص داد.

بحران اقتصادی و وام های خارجی

لغو امتیاز توتون و تنباکو تغییر قابل ملاحظه ای در روابط ایران با انگلیس و روسیه ایجاد کرد. موفقیت مخالفین داخلی دولت اعتبار و حیثیت روسها را که به آنها کمک کرده بودند افزود (۱۲- تکراری) امین السلطان، نخست وزیر ایران، که تا این زمان طرفدار انگلیسها بوده از طرفی به دلیل لغو امتیاز توتون و تنباکو اعتبارش را نزد انگلیسیها از دست داد و از طرف دیگر در مقابل نفوذ روز افزون روسها چاره ای جز نزدیکی به امین هانمی یافت... بانوجه به بحران اقتصادی موجود دولت ایران برای پرداخت خسارتی که تقبل کرده بود درازای لغو امتیاز انحصار توتون و تنباکو به کمیانی انگلیسی بپردازد، مجبور بود از خارج کمک بخواهد. در این هنگام رقابت روس و انگلیس دوباره آشکار شد. هر یک از آنها می کوشید وام مفورده نظر را در اختیار دولت قرار دهد و از این راه از دیگر نفوذ گشته را بدست آورد.

بانک امپریال حاضر بود مبلغ ۵۰۰۰۰ پوند با بهره ۵ درصد به ایران قرض دهد، ولی امین السلطان اذعان کرد که پیشنهاد وامی با بهره ۵ درصد دریافت کرده است (۱۳) همین موضوع باعث شد که انگلیسها برای جلوگیری از نزدیکی روابط ایران و روسیه، شرایط سهلتری پیشنهاد کنند. سرانجام امین السلطان قبول کرد که انگلیسها وام بگیرد و در مقابل درآمد گمرک خلیج فارس را به عنوان ضمانت پرداخت این وام اختیار آنها بگذارد. ولی دولت ایران که همچنان در بحران اقتصادی قرار داشت مذاکراتی برای دریافت وام بیشتر با دولت انگلیس از سر گرفت، با ابطال بر اساس آنچه در آییننامه بانک «امپریال» مقرر بود، ایران نتوانست پیش از این بهره قرض بگیرد، این مبلغ هم برای خزانه شاهی کافی نبود. در همین زمان لازم افتاد که سلطان برای «معالجه سفری به اروپا بکند امین السلطان که حالا دیگر طرفدار روسها بود سلطان قاجار را قانع کرد که پول لازم را فقط می تواند از طریق روسها تهیه کند. پس مقدمات این کار نیز چیده شد و به موجب قراردادی، روسیه ۲۲ میلیون روبل با بهره ۵ درصد به ایران قرض داد. درآمدهای گمرکی ایران نیز، جز درآمد خلیج فارس، به عنوان تضمین پرداخت وام مذکور بدست روسها سپرده شد.

دولت ایران همچنین تمهید شد که تا ده سال از هیچ دولت خارجی دیگری قرض نگیرد و تعرفه گمرکی خود را بدون موافقت روسها تا هشت نهد احتمالاً برای جلوگیری از عکس العمل مخالف انگلیسها و توده مردم ایران بود که این قراردادها بطور محرمانه منعقد شد. اما بعضی بخش خیر انعقاد این قراردادها، باز دیگر موج ناراضی مردم برخاست.

اواخر آوریل خبر سفر سلطان قاجار وعده ای از درباریان به خارج از کشور و خرج های هنگفت آنها و نیز خبر اینکه حتی تمام وام های خارجی را در این سفر خرج کرده اند، بر آتش ناراضی توده مردم دامن زد. فحش تند و بالا رفتن قیمت نان ناراضی و بی قراری



سید جمال واعظم از پیشروان مشروطه

در ماه آوریل ۱۹۰۲ دومین قرارداد برای دریافت وام از روسیه در سن پترزبورگ منعقد شد. این وام ۱۰ میلیون روبلی برای ایران همانقدر گران تمام شد که وام پیشین. در برابر این وام جدید دوسه تقاضای تضمین‌های جدیدی کردند و امتیاز ساختن راه جلفا - تبریز - تهران و امتیاز بهره‌برداری از بعضی منابع نفت ایران را نیز بدست آوردند. همچنین در آمدهای صید ماهی و نظایر آنها واگذار شد، علاوه بر این دولت ایران قبول کرد که تعرفه گمرکی خود را با روسیه تغییر دهد (۱۲ مگرو). تعرفه گمرکی جدید که در سال ۱۹۰۳ اعلام شد مطلقاً به ضرر انگلیسی‌ها بود و پیروزی اقتصادی - سیاسی کاملی برای همسایگان شمالی بشمار میرفت. (۱۳) البته این است که تعرفه جدید عکس‌العامل مخالف انگلیسی‌ها و مخالفین سرسخت دولت ایران گنجهت. تعرفه جدید از فوریه ۱۹۰۲ عملی شد. انگلیسی‌ها ظاهراً آنرا قبول کردند ولی منتظر فرصتی بودند که امتیازات مشابهی برای خود بدست آورند.

هاردینگ که به دلیل تجربیات قبلیش در شرق به نفوذ علما در جوامع اسلامی آگاهی داشته متوجه بود که علمای شیعه ایرانی مخالف سیاست کشورشان در جانب‌داری از روس هستند. همین شناخت او را برانگیخت تا روابط نزدیکی نه تنها با علمای ایرانی بلکه با علمای کربلا که آنها را مورد نفوذ خود قرار می‌دادند، برقرار کند. به این امید که بتواند در صورت لزوم از این قوا در مقابل نفوذ روسیه استفاده کند. او در این مورد اعلامی دارد: «در حال حاضر بهترین کار برای افزایش نفوذ مادر ایران این است که از کربلا مقاصد خود را در قالب منافع مورد نظر آن دولت، اعمال کنیم. اما برای آن دخالت شخصی در این روابط دوستانه برقرار کردن روابط شخصی با علما بسیار مهم است، چرا که در صورت لزوم می‌توانم از آنها به عنوان اهرمی در برابر دولت ایران استفاده کنم، خاصه اگر دولت ایران باز تمایلاتی به وام گرفتن از روسیه نشان دهد یا با ماسیاستی ناهمراهانه

مردم را تشدید کرد این نارضا‌یی‌ها با شروع ماموریت «نوز» به بالاترین درجه خود رسید.

اگر چه «نوز» درآمد گمرکی را افزایش داده بود، ولی آگاهی به این حقیقت که روس‌ها پشتیبان او هستند، مردم را که به طور کلی با حضور خارجی‌ها در کشور مخالف بودند، بیشتر ناراضی می‌کرد.

در سال ۱۹۰۱ مظفرالدین‌شاه که دو باره با مشکلات مادی روبه‌رو شده بود از امین‌السلطان خواست که تقاضای وام‌های جدیدی بکند. هاردینگ که در این هنگام نماینده انگلیس در ایران بود و می‌خواست با جریمه وام تسلط انگلیس را بر ایران گسترش دهد، ناموفق شد امین‌السلطان را قانع کند که روسی‌ها را متوسل نشود و نتوانست دولت انگلیس را قانع کند که با شرایط سهلتری به ایران وام دهد. بانک امپریال تقاضای بهره ۱۲ درصد می‌کرد، ولی روس‌ها به خیلی کمتر از این مبلغ رضای بودند. سرانجام وزیر امور خارجه وقت انگلیس، متوجه شد که مسأله استقرار، ایران را کاملاً تحت تسلط خود قرار داده، و به همین دلیل بر آن شد که هاردینگ را مامور کند با روس‌ها برای یافتن راه‌حلی مسالمت آمیز در مورد ایران وارد مذاکره شود. هاردینگ در نظر داشت راهی پیدا کند تا هر یک از دو قدرت بزرگ به ایران وام بدهند و به عنوان تضمین استرداد این وام‌ها درآمد نواحی تحت نفوذ خود در ایران را دریافت کند. اگر چه این کوشش‌ها به نتایج مورد نظر انگلیسی‌ها منتهی نشد، ولی می‌توان آنها را پایه مذاکراتی دانست که بعدها به عقد قرارداد ۱۹۰۷ منجر شد.

سید اعظم ایران، بیمناک از همکاری روسیه و انگلیس که می‌توانست استقلال او به ضعف ایران را به خطر مطلق بیندازد، بر آن شد که بار دیگر از روس‌ها وام بگیرد. با نزدیک شدن زمان گرفتن این وام کمک انگلیسی‌ها به مخالفین داخلی دولت ایران افزایش یافت.

بلافاصله بعد از دریافت دومین وام از روسیه، مظفردالدین شاه سفردوش را به اروپا آغاز کرد، خبرهای دریافت دومین قرض از روسیه و خرج‌های بی‌حساب و هنگفت شاه‌قاجار و درباریان در خارج اثرات عمیق و برانگیزنده‌ای بر وی عاید عمومی گذاشت. بموجب گفته‌های هاردینگ سرانجام ملت‌ایران شاه را تهدید کرد که اگر در سیاست خود در برابر روس‌ها تغییری ندهد، او را طرد خواهد کرد. (۱۶)

مخالفین داخلی دولت در تهران و سایر شهرهای بزرگ، همینطور در شهرهای مقدس عراق، به اعلام ناراضی‌ها و تهدیدهای خود ادامه دادند، علمای گرلا و نجف بادومین وام روسیه مخالف بودند. صدراعظم اعلام کرد که دریافت چنین وام‌هایی هرچند مابه تاسف دولت است، اما در شرایط خاص و اجتناب‌ناپذیری صورت پذیرفته است. (۱۷)

سرانجام مخالفین تصمیم گرفتند که به هنگام غیبت شاه دست به اقدام حادی زنند، اما بعضی اینکه شاه به وطن بازگشت از او بخواهند که دومین وام روسیه را پس دهد و فراردارا لغو کند، یا حداقل تعهد کند که دیگر به روس‌ها متوسل نشود و در برابر وام جدیدی دیگر به آنها امتیازی اعطا نکند. (۱۸)

مظفردالدین شاه که تمام وام دریافت شده را در دومین سفر خود به اروپا خرج کرده بود، به هنگام مراجعت از امین‌السلطان خواست که مبلغ دیگری برای او تهیه کند. (۱۹) با توجه به ناراضی روز افزون توده مردم و مخالفت انگلیس‌ها با سیاست شاه که تراضی آشکار به سوی روسیه پیدا کرده بود، این بار امین‌السلطان تصمیم گرفت، از انگلیس‌ها تقاضای وام کند به این ترتیب، پنهان از روس‌ها، قراردادی برای دریافت وام بین ایران و انگلیس منعقد شد. در اوائل آوریل ۱۹۰۳، بانک امیرال قبول کرد که وامی به مبلغ ۲۰۰۰۰۰ پوند یا بهره ۵٪ و قابل استرداد در ۲۰ سال به ایران بپردازد. در مقابل ایران استرداد این وام را با درآمد صیدماهی در بحر خزر و گمرک جنوب و در صورت لزوم درآمد بست و تلگراف تضمین کرد. نمایندگان روسیه در ایران که در آخرین مراحل از این قرار داد باخبر شدند، کوشیدند از انعقاد آن جلوگیری کنند اما ره به جایی نبردند. این مطلب توجه آنها را به پیشنهاد هاردینگ مبتی بر موافقت روسیه و انگلیس در مورد ایران معطوف کرد. (۲۰)

برای احتراز از دوباره متوسل شدن به کشورهای خارجی، امین‌السلطان (نوز) را تشویق کرد که سیستم مالیاتی را به منظور ازدیاد درآمد دولت اصلاح کند. (۲۱)

اما مسائل مالی ایران با توجه تمام وام‌های خارجی و تمام اصلاحات گمرکی و مالیاتی، حل نشد. از آنجایی که روس‌ها با وام گرفتن ایران از انگلیس مخالفت کرده بودند، امین‌السلطان تردید داشت که وام تازه‌ای را که دولت انگلستان ارائه و پیشنهاد میکرد، بپذیرد. از سوی دیگر نظاهرات توده مردم بر علیه نفوذ روزافزون روسیه نیز او را از توسل به روس‌ها باز می‌داشت. هاردینگ نیز در مورد خطرات دریافت سومین وام از روس‌ها به امین‌السلطان هشدار داده بود و بطور ضمنی مخالفت علما را - که اکنون دیگر بطرف انگلیسی‌ها متمایل شده بودند - در مورد نزدیکی روسیه و ایران به وی یادآور شده بود. (۲۲)

در سال ۱۹۰۳ مخالفت‌های مردم علنی‌تر شد. شاه امین‌السلطان

را که با وضعیت مذکور دیگر نمی‌توانست وام جدیدی بگیرد معزول کرد. امین‌الدوله، جانشین امین‌السلطان برای آرام کردن التهاب عمومی قول داد که در سیاست جانبداری از روسیه قطعا تجدید نظر کند. (۲۳) در این هنگام اگر چه عزل امین‌السلطان ناراضی عمومی را تسکین بخشیده بود، (۲۴) مسائل و بحران‌های مالی دولت همچنان ادامه داشت، صدراعظم جدید، برای احتراز از دریافت وام‌های خارجی تازه، کوشید راه‌های دیگری برای حل مسائل اقتصادی پیدا کند. او بار دیگر میزان مالیات‌ها را افزایش داد و باین عمل با مخالفت شدید مردم مواجه شد و صدراعظم در ژانویه ۱۹۰۴ مجبور به عقب‌نشینی شد. وی این بار کوشید مخارج دربار را تقلیل دهد و وضعیت گردآوری مالیات را بهبود بخشد. (۲۵)

امین‌الدوله خزانه‌های محلی را تحت کنترل بلژیکی‌ها قرار داد ولی این عمل نیز باناراضی عمومی مواجه شد زیرا ملت ایران بلژیکی‌ها را دست‌نشانده روس‌ها می‌دانست (۲۶) در سال ۱۹۰۴ مظفردالدین شاه خواهان ۱۴۰۰۰۰ پوند برای مسافرت جدیدی به اروپا بود امین‌الدوله از قبل میدانست که چنانچه به روس‌ها روی آورد، آنها تقاضای امتیازات جدیدی خواهند کرد و اعطای چنین امتیازاتی نه تنها مخالفین داخلی را آرام نمی‌گذاشت، بلکه انگلیس‌ها را هم بر علیه ایران برمی‌انگیخت، خصوصا که هاردینگ او را در جریان روابط نزدیک انگلیس‌ها و او اعلام کرده بود. چنین بود که امین‌الدوله مجبور شد مخارج سفر مظفردالدین شاه را از درآمدهای داخلی تامین کند. (۲۷) با وجود اینکه بحران اقتصادی با روی کار آمدن امین‌الدوله تخفیف یافته بود ناراضی عمومی با اعلام خبر سومین سفر سلطان قاجار به اروپا شعله یافت و پس از سومین سفر مظفردالدین شاه کشور بار دیگر خود را در موقعیت اقتصادی حادی یافت.

خبر انقلاب روسیه به اخبار جنگ روسیه و ژاپن افزوده شد و بدینسان اعتبار و حیثیت روسیه تزاری که پشتیبان دولت استبدادی وقت بود کاهش یافت. در داخل کشور مبارزه علیه «نوز» و بلژیکی‌ها به منتهی درجه خود رسید و در این هنگام ناراضی مردم از نارسائی دستگاه‌های اجرایی و اسراف مظفردالدین شاه، خاصه در سفرهای اروپا وضعیت را وخیم‌تر می‌کرد. دخالت خارجی‌ها در کشور، نفرت از بیگانگان و در ملت تشدید مینمود و بحران اقتصادی کشور را به سوی انقلابی‌تر تبدیل کرد تا بپذیرد پیش می‌برد.

نتیجه گیری

با آنچه در صفحات پیش‌آمد می‌توان به آسانی متوجه نقش چند جانبه‌ای شد که روس‌ها و انگلیس‌ها در به ثمر رسیدن انقلاب مشروطه ایران بازی کردند از سویی اقامت خارجی‌ان در ایران و تماس آنها با ایرانیان، خاصه تجار و روشنفکران، سبب نشر عقاید آزادیخواهانه غربی، در این کشور شد. از سوی دیگر بسیاری از بنیان انقلاب مشروطه با تحصیل کرده اروپا بودند و یا کسانی بودند که از طرف دستگاه‌های دولتی برای مأموریت به خارج فرستاده شده بودند. در نتیجه پایه تئوریک انقلاب که بیشتر بوسیله این گروه ریخته شد، تا حد زیادی تحت تأثیر عقاید دموکراتیک غربی بود. البته روشنفکران کوشیدند ایده‌های غربی را با جامعه اسلامی ایران تطبیق دهند، ولی عملا تغییرات زیادی در آنها داده نشد. نباید از نظر دور داشت که تاحدی به دلیل نشر همین عقاید آزادیخواهانه غربی بود که دخالت قوای استعمار در ایران با واکنش‌های

London. 1966 . P. 39.

A.K.S.Lambton در این مورد رقم ۸۰۰۰۰۰ را ذکر می کند ، رجوع کنید به

A. K. S. Lambton "The Tobacco Regie. Prelude To Revolution." Studia Islamica 22 (1965) P. 128.

۹ - همان مأخذ صفحه ۱۲۱

۱۰ رجوع شود به رساله نگارنده تحت عنوان :

Prelude A La Revolution Constitutionne - lle De La Perse. Memoire Pour Le Diplome D, Etudes Superieures De Sciences Politiques. Faculte De Droit, D'Economie Et De Sciences Sociales. Universite De Paris II. 1874. P. 95
۱۱- وزارت امور خارجه انگلیس ۶۰۰۵۲ نامه Salisbury به Lascells شماره ۶۲ ۱۵ دسامبر ۱۸۹۱

A. K. S. Lambton. Op. Cit. P. 154-۱۲

۱۲ تکراری - اگرچه همین کردن حدود کمک روسها بمخالفین داخلی مشکل است و بموجب اعترافات بعضی زندانی ها ، تلاشی حسی وجود ندارد ، مینی بر اینکه آقای Gregorivitch Le Secretaire Orientale De la Delegation Russe

روابط خیلی نزدیکی با جنبش تبهکارانه فعلی دارد . وزارت امور خارجه انگلیس : ۵۲۹۵۲ نامه Kennedy به Salisbury شماره ۱۱۶-تاریخ ۲۹ آوریل ۱۸۹۱

۱۳- De Balloy نماینده فرانسه در ایران ، معتقد بود که این گفته های امین السلطان فقط مانوری در مقابل انگلیسها بوده است . (وزارت امور خارجه ایران شماره ۳-۲۹ آوریل ۱۸۹۲)

۱۳ مکرر -

H. Navai. "Les Relations Economiques Irano- Russes. These Pour Le Doctorat De Troisieme Sycle. Universite De Paris. Faculte De Droit. 1932. P. 32.

۱۴ - رساله نگارنده OP. cil صفحه ۱۷۶

۱۵ - وزارت امور خارجه انگلستان . ۴۱۶/۱۲ تلگراف Harding . شماره ۲۷۶ (۸۲) به Newmarch به تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۰۲

۱۶ - وزارت امور خارجه انگلستان . ۶۵۲ / نامه محرمانه Harding به Landsdowne ۱۷ اوت ۱۹۰۲

۱۷-

N. R. KEdie: "Iranian Politics 1900 - 1905: Background To Revolution. Middle Eastern Studies N. S. (1969) P. 26.

۱۸ - همان مأخذ .

ناسیونالیستی ملت مواجه شد. در اینجاست که نقش نسبی قدرت های بزرگ در وقوع انقلاب مشروطه هویدا می شود. عامل مهم دیگر کمک هایی است که هر یک از دو قدرت بزرگ به مقتضای زمان ، مخالفین داخلی دولت می کردند. به این معنی که هرگاه نفوذ روسیه در ایران افزایش می یافت ، انگلیسی ها از طریق کمک به مخالفین داخلی دولت می کوشیدند توجه دولت مرکزی را به خود معطوف سازند و قدرت رفیب را از این راه کاهش دهند ، و برعکس .

بدینسان اگر چه هیچیک از دو قدرت بزرگ واقعا خواهان انقلاب مشروطه نبودند ، باید قبول کرد که شاید ناآگاهانه در به ثمر رسیدن آن نقشی بزرگ ایفا کردند. البته نارضایی های داخلی را که بنیاده اساسی انقلاب بود نباید از نظر دور داشت ، و فراموش نکنیم که استبداد و نارضایی های عمومی در تاریخ ایران پدیده تازه ای نبوده . در نتیجه منطقی بنظر می رسد که اقدامات روسیه و انگلیس را به جرعه ای تشبیه کنیم که به انبار باروتی می رسد.

حواشی :

۱ - از لرد Salisbury به Lascells خصوصی ۶ اکتبر ۱۸۹۱ . نقل از

R.L.Greaves. "British Policy In Persia. 1892-1903." Bulletin Of The School Of Oriental And African Studies. Univ. Of London. No 28 (1965) P. 36.

۲ - نقل از نامه Wolf به Salisbury ۱۴ نوامبر ۱۸۸۹ نقل از :

M. A. Tandon. "The British Policy Towards The Maintenance Of Territorial Integrity And Independence Of Iran. 1875-1900" Indo - Iranica. No 3. 1963. P. 58.

۳ - وزارت امور خارجه انگلستان . ۴۵۴۵۸ R. L. Greaves. Op. Cit. P. 42. نقل از :

۴- همان مأخذ صفحه ۲۰۱

۵- P. G. Ferenzio. "La Rivalite Anglo - Russe En Perse Et En Aeghanistan Jusq Aux Accords De 1907." Parls. 1947. P. 96.

۶- نامه قوام الدوله به ملک خان. اول اکتبر ۱۸۸۹. در آرشیو ملک خان . کتابخانه ناسیونال پاریس.
۷ - برای متن کامل فرار داد رجوع کنید به :

J. C. Hurewitz : "Diplomacy In The Near And Middle East. A Documentary Record. 1535-1914." New York. 1956. Vol 11. PP. 205- 206.

۸-

N. R. KEdie: Religion And Rebelion In Iran. The Iranian Tobacco Protest Of 1891 - 92 .

۱۹ - احمد کسروی : تاریخ مشروطه ایران ، امیر کبیر .
تهران ، ۱۳۴۴ ، صفحه ۲۷۰

-۲۰

N. R. Keddie: Iranlan Politics 1900 - 1905.
Op. Cit. P. 155.

۲۱ - الف - کسروی Op. Cil - صفحات ۲۹ - ۳۱

۲۲ - وزارت امور خارجه انگلستان . ۱۶/۲۲ نامه محرمانه
Harding به Landsdowne شماره ۱۲۴ (۳۲) .
به تاریخ ۲۳ فوریه ۱۹۰۵

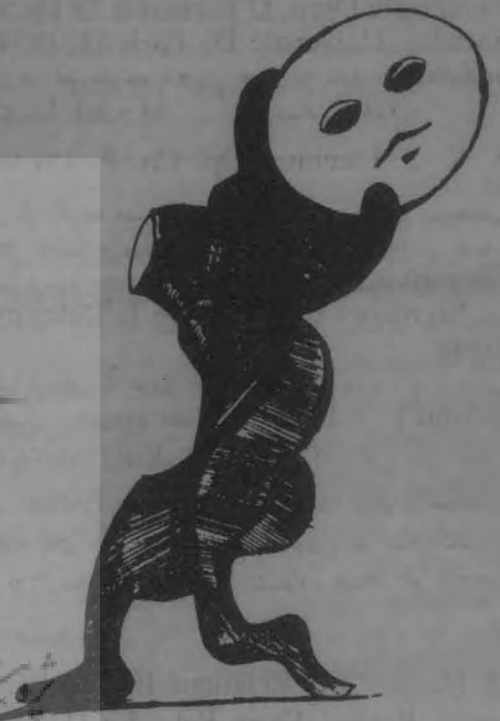
۲۳ - م - ملکزاده . تاریخ انقلاب مشروطه ایران .
ابن سینا تهران . ۱۳۲۹ جلد اول ص ۲۷۰

۲۴ - همان نامه

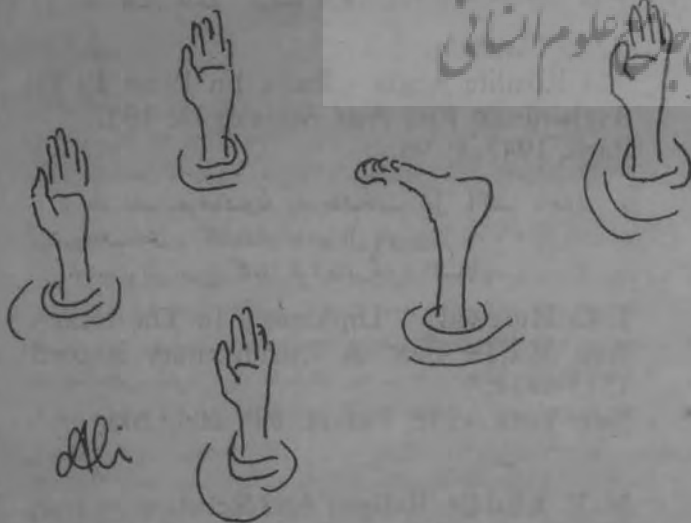
- ۲۵

N. R. Keddie. "Iranian Politics. 1900- 1905
Op. Cit. P. 235.

۲۶ - وزارت امور خارجه انگلستان ۱۶/۱۸ . نامه
محرمانه Harding به Landsdowne شماره
۱۱۵ (۸۵) به تاریخ ۱۹ مه ۱۹۰۴



طرح از : ترکیبای



طرح از : علی عنایت